

عطیه الهی، امام درونی

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی صرامی
استاد سطوح و حوزه علمی قم

با رجوع به آموزه‌های دینی، با تصریحات بسیار شفاف درباره عقل برخورد می‌کنیم؛ مثل تعبیر «دین ندارد آن که عقل ندارد!»، به عبارت دیگر در آموزه‌های وحیانی، عقل، پایه ایمان و پرستش است و نه تنها ایمان و پرستش بدون عقل رسمیت ندارد، بلکه فقط از مجرای عقل، شدنی خواهد بود. حکمای اسلامی بعدها تبیین کردند دستگاه معرفت الهی مبتنی بر شناخت و آگاهی، کار خود را پیش می‌برد. انبیا و دستگاه رسالت مخاطبشان قوه عاقله انسان است و در مقابل، دستگاه ابلیس با قوه واهمه سروکار دارد. نتیجه آنکه خروجی تعقلات و تأملات فکری که به واسطه عقل کسب شده است، ایمان و خروجی توهمات، کفر است. اینکه قرآن می‌فرماید: خدا با عقل شما کار دارد. لازمه‌اش تعامل با دستگاه عاقله بشر، استدلال و احتجاج است. درحالی که ابلیس با قوه واهمه آدمی، کارش را پیش می‌برد و اعمال زشت را برای انسان تزیین می‌کند. گاه تعارض‌هایی در برخی منابع تحریف شده دینی در توجیهات عقلی هست؛ مثل تخلیث در مسیحیت، چنین اموری در اسلام نه تنها نیست، بلکه باطل است. دین قواعد بنیادین زندگی بشر را در اختیار انسان و تصدیق و مصداق‌یابی آن را برعهده عقل می‌گذارد. لذا به اندازه‌ای که عقل در چار حجاب و نقص در تشخیص باشد، دچار خطا در شناخت آن قواعد کلی هم می‌شود؛ مثل انسان تحصیل‌کرده‌ای که قواعد ساخت وسیله‌ای صنعتی را می‌داند اما در اندازه‌گیری و مشاهدات عینی و مبتنی بر حواس دچار نقص است. لذا به نتیجه‌ای که باید، نمی‌رسد. نسبت بین عقل و دین، نیز چنین است؛ چرا که کارکرد عقل در زندگی مؤمنان، تصدیق قواعد شریعت است. **عقل معاش در آموزه‌های دینی:** انسان در رویکردهای نوین زندگی معاصر، دنبال امیال و لذت‌های خود است. این نگاه، انسان را به اینجا رسانده است که به جای دغدغه‌مندی درباره مصلحت نوعی بشر، در پی مصلحت شخصی خودش باشد. در این نگاه، عقل معاش عملاً عقل کمک‌کننده به لذات است؛ یعنی همه ابزارهای انسان در اختیار لذات او قرار می‌گیرد اما در ادبیات عاقلانه‌تر غرب و شرق و حتی در متون دینی، عقل معاش آن بعدی است که در پی مصالح دنیوی در حداقل هاست؛ چه شخصی و چه جمعی. انسان مؤمن به عنوان یک سلول از پیکره جامعه، نیازمند این تدبیر معاش است و از نشانه‌های مؤمن، موفقیت در تدبیر معاش است؛ یعنی ادراک در مسائل فردی، اجتماعی و خانوادگی و تدبیر در آن‌ها در عین نگاه بلندمدت. توسعه این نگاه، انسان را از عقل معاش به عقل معاد می‌رساند؛ یعنی این مصلحت‌اندیشی به زندگی پس از مرگ، توسعه می‌یابد. این منطق شکل‌گیری فعالیت برای مصالح آتی و غیرنقد، از بدو تولد ذره‌ذره یاد گرفته می‌شود؛ مثل کودکی که برای یک خوراکی گریه می‌کند اما به مرور یاد می‌گیرد که برخی اتفاقات زمان بر است و مثلاً باید لذت خوردن بستنی را برای بهبودی مریضی کنار بگذارد. اما در نگاه غربی، نقدگرایی و لذت جویی بر همه امور حاکم است و لذت کوتاه مدت و زودگذر به لذت بیشتر در آینده اولویت دارد؛ نگاهی که عقل معاش را هم متأثر کرده است. **عطیه الهی:** چه در نگاه غیردینی و چه در رویکرد دینی، بخشی از دست‌یافته‌های عقل، خروجی یافته‌های بشر است که عقل انسانی محض نام می‌گیرد و بین مسلمان و کافران مشترک است. بخش دیگری از این ادراک و قوه عاقله، وابسته به نگاه برون‌انسانی و فرامادی و متافیزیکی است. وقتی از امیرالمؤمنین^(ع) پرسیدند اگر عقل این است که خداوند، عبادت و حقایق عالم با آن شناخته می‌شود، پس آنچه در ادای دین وجود دارد چیست، حضرت فرمودند: «این حالتی است که خروجی‌هایی دارد اما فارغ از اشراق و الهام الهی است».

تابلی مدرسه امام صادق^(ع): سر فصل آموزه‌های امام صادق^(ع) این است که «هیچ معرفتی به دست نمی‌آید، مگر به واسطه اراده خدا» این یعنی عقل یک ودیعه و موهبت الهی به بشر است که مبنای همه تعاملات خدا با او شده و زبان مشترک خدا با بشر را خلق کرده است. انسان با این عطیه الهی امکان تعامل با خدا را یافته است. بعد از آنکه انسان از این عقل زیرساختی بهره‌مند شد، می‌تواند این ودیعه را محور و امام خود قرار دهد و از محوریت دستگاه شهوانی با مدیریت ابلیس، دور شود و به درجات بعدی عقل تا عقل تام دست یابد؛ چون این طرح اسلام است که انسان را به سمت تکامل عقل پیش ببرد.

بردار

و بخوان

۳۶۵ روز در صحبت قرآن

«هن لباس لکم و انتم لباس لهن: ایشان یعنی زنان شما. همچون لباس (مایه) شأن و منزلت و پوشش و آبرو و حیثیت) باشند شما را و شما نیز همچون لباس باشید ایشان را» (سوره بقره، آیه ۱۸۷). این عبارت کوتاه در مجموع مشتمل بر بیش از یک کلمه اصلی نیست و آن کلمه لباس است. بقیه کلمات همه ضمیر و حرف اضافه و... هستند. بنابراین با کاربرد تنها یک کلمه، خداوند رابطه متقابل و برابری کامل زن و مرد را چنین بیان کرده است که زنان در حکم لباس و پوشش و شأن اجتماعی و شخصیت و آبرو و هویت و حیثیت شما هستند و شما نیز همین مقام را در مقابل آن‌ها دارید. این تعبیر در عین حال نشان وحدت زوج است که هریک برای دیگری است و در مواجهه با همسرش، شأن و مرتبه پیدا می‌کند. بنابراین اگر افرادی بپرسند که یک نمونه کوچک از معجزه قرآن چیست، می‌توان همین آیه را به عنوان یک مثال روشن بیان کرد. چه تعبیر زیبایی است که زن همچون جامه‌ای فرارگیر، مرد را در خود می‌پوشاند؛ چنان‌که گویی بدون زن برهنه است و مرد نیز زن را در کسوت شخصیت و عشق و حمایت خویش می‌پوشاند؛ چنان‌که گویی بدون او عریان و بی حفاظ است. دو کلمه «لکم» یعنی برای شما مردان و «لهن» یعنی برای آن زنان، حامل این معنی لطیف است که زن و مرد علیه یکدیگر نیستند، بلکه این «برای» او و «برای» این است؛ بدین معنی که هریک در جهت سود و بهره‌مندی دیگری است. مرد باید بکوشد که خود را برای همسرش خرج کند و زن نیز همچنین؛ زیرا رابطه ایشان «له و علیه» نیست، بلکه از هر دو طرف «له» است، یعنی برای او، به نفع او و به خاطر او. متنی که خواندید، از کتاب «۳۶۵ روز در صحبت قرآن»، نوشته «حسین الهی قمشه‌ای» است. خواندن قرآن کریم به خودی خود برای خواننده فواید و مزایای زیادی دارد اما مطالعه همراه با شرح و تفسیر آن، دریچه‌های جدیدی از فهم را به روی خواننده می‌گشاید. قرآن کریم به زبان عربی مبین و زیان‌قوم نازل شده است. بر همین اساس، متنی ادبی است که از همه ویژگی‌ها و محاسن اثر ادبی استوار و والایی برای تحقق بخشیدن به اهداف و مقاصد خود برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی متون ادبی، تأثیر بر مخاطب، هم از نظر معنا و هم از نظر لفظ، از طریق به‌کارگیری صنایع ادبی چون مجاز، تشبیه و تمثیل، استعاره، کنایه، تقدیم و تأخیر، قصه، وزن و نظم است. اگر هرگونه تلاش مبتنی بر ابزارهای زبانی برای فهم یک متن ادبی را تفسیر ادبی بنامیم، در این صورت نخستین تلاش‌ها برای تفسیر قرآن را باید به عنوان تفسیر ادبی شناخت؛ به همین دلیل بخشی فراوان از تفسیر منقول از رسول خدا^(ص) که مستقیم به تفسیر متن پرداخته است، زیر عنوان تفسیر ادبی قرار می‌گیرد؛ البته رسالت اصلی پیامبر^(ص) در مورد کتاب خدا «تبیین» آیات وحی بوده است که آن اعم از تفسیر کلام خداست و شامل تفصیل احکام مجمل و سر بسته قرآن نیز می‌شود. کتاب پیش‌رو چهارمین کتاب از مجموعه جوانان و فرهنگ جهانی است و سه جلد دیگر، در مورد سعدی، مولانا و ادبیات انگلیسی هستند. جناب آقای الهی قمشه‌ای برای هر روز سال، آیه‌ای از قرآن را انتخاب کرده و علاوه بر ترجمه به زبان فارسی و انگلیسی، آیه را شرح داده است. این شرح‌ها همراه با گنجینه‌ای از اشعار شاعران ایرانی، گزیده گفتارهای ادیبان ایرانی و غیر ایرانی است. در واقع این کتاب تلفیقی از ادبیات عرفانی با آیات قرآن است. بنابراین اگر به آثار دکتر الهی قمشه‌ای علاقه‌مند هستید، مطالعه این کتاب زیبا را از دست ندهید.

شنبه
۲۲ شهریور ۱۳۹۳
شماره ۴۴۴

۱۴



سازمان

۳ پیشگویی مهم در سوره نصر که بر پیامبر^(ص) نازل شد

آیاتی برای فتح و ظفر

حمیده ذاکری از نخستین کلمات خداوند متعال با رسولش، محمد مصطفی^(ص)، حمد و شمارش صفات نیکوی خداوندی‌اش بود و با چنین آغازی عجیب نیست که آخرین کلمات این گفت‌وگوی الهی به پیروزی و نصرت ختم شود؛ زیرا چنین آغازی را جز فتح و ظفر پایانی نخواهد بود؛ فتح و ظفری که با یاری خداوند در آخرین سوره‌ای که بر پیامبر خدا نازل شده، یعنی سوره نصر، بشارت داده شده است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُا... وَالْفَتْحُ» (سوره نصر، آیه یک).

بشارتی برای پیروزی

آخرین سوره در مدینه بر پیامبر^(ص) نازل شد و سوره‌ای مدنی است. درباره آخرین سوره نازل شده بر رسول گرامی^(ص) چند قول وجود دارد و براساس این نقل‌ها سه سوره نصر، برائت (توبه) و سوره مائده، پایان بخش نزول قرآن بوده‌اند. برخی گفته‌اند: سوره نصر که متضمن بشارت به پیروزی است، پیش از فتح مکه و سوره برائت پس از فتح مکه نازل شده‌اند، بنابراین سوره برائت، آخرین سوره است. وجه جمع میان اقوال آن است که سوره نصر آخرین سوره‌ای است که به طور کامل نازل شده است و سوره‌های دیگر به اعتبار برخی آیات آن، آخرین سوره قرآن دانسته شده‌اند. پس می‌توان گفت آخرین سوره‌ای که به‌طور کامل بر رسول اکرم^(ص) نازل شده است، سوره نصر است.

شادی و غم در کنار هم

همچنین در روایات منقول از اهل بیت^(ع) آمده است که آخرین سوره، سوره نصر است. در روایتی، امام رضا^(ع) از پدرشان و ایشان از امام صادق^(ع) نقل کرده‌اند که سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُا...» آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شد. (البرهان فی تفسیر القرآن، ج یک، ص ۶۹). آمده است که با نزول این سوره، یاران پیامبر شادمان شدند؛ هرچند در آن میان عباس عمومی پیامبر آن اندازه از شنیدن این سوره اندوهگین شد که به گریه افتاد. پیامبر^(ص) به او فرمودند: «ای عم، چرا گریانی؟» گفت: «به گمانم از پایان کار تو خبر می‌دهد.» رسول خدا^(ص) فرمودند: «همان‌گونه است که گمان برده‌ای.» دو سال بعد از آن، رسول خدا^(ص) رحلت کردند. (تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۷).

سوره‌ای که تلاوتش، ظفر بخش است

همان‌طور که گفتیم، نام مشهور سوره، نصر است. سبب این نام‌گذاری آن است که کلمه نصر در اولین آیه سوره، به‌کار رفته و از پیروزی الهی سخن گفته است. نام دیگر این سوره «إذا جاء» است؛ زیرا سوره با همین کلمه آغاز می‌شود. سومین نام سوره، تودیع است. نزول این سوره در اواخر عمر رسول خدا^(ص) و وداع خداوند و جبرئیل با ایشان، دلیل این نام‌گذاری است. (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۲۷). سوره نصر یکی از چهارده تاشانزده سوره‌ای است که تمام آیات آن یک جا نازل شده است و به نام سوره‌های «جمعی النزول» شناخته می‌شود. استجابت دعا و پیروزی در برابر دشمنان را از خواص تلاوت این سوره مبارک بر شمرده‌اند.

۳ پیشگویی در یک سوره

در سوره نصر، سه پیشگویی و خبر غیبی مهم وجود دارد: «فتح مکه با پیروزی بزرگ و غلبه نهایی اسلام»، «ایمان آوردن مردم مکه و اطراف آن به اسلام و بیعت با رسول خدا^(ص)» و «رحلت پیامبر^(ص)». خداوند در سوره نصر، به رسولش وعده پیروزی و یاری می‌دهد و اعلام می‌کند خیلی زود مردم گروه‌گروه داخل اسلام می‌شوند. پس به پیامبر^(ص) دستور می‌دهد به شکرانه این یاری و پیروزی، خدا را تسبیح کند و حمد بگوید و استغفار کند. برپایه نظر برخی مفسران همچون علامه طباطبایی، سوره نصر در مدینه بعد از صلح حدیبیه و قبل از فتح مکه نازل شده است. پس مراد از فتحی که خداوند به آن وعده می‌دهد، فتح مکه است.

روشنا

حضرت فاطمه^(ص)، خداوند را در آنچه به شما فرمان داده و از آنچه نهی کرده است، اطاعت کنید. (الاحتجاج، ج یک، ص ۲۵۹، ج ۴۹)

أطيعوا... فیما أمركم به و [ما] نهاکم عنه.

راهی برای پیدا کردن جواب؛ مشورت

دیدگاه اهل بیت^(ع) درباره اهمیت همفکری در زندگی

فیولفر نویدی^(۱) می‌خواست دلش را به دریا بزند. در فکرش بود که شغلش را رها و کاری جدید را شروع کند. دنبال شغلی راحت بود؛ شغلی که ساعت کاری کمتر و درآمد بیشتری داشته باشد. چند نفر به او گفته بودند که با پولش سرمایه‌گذاری کند و بی خیال کار کردن بشود. صبح تا شب کیف کند و هرکاری که دوست دارد، انجام دهد. از اینکه تمام دارایی‌اش را خرج این کار کند، می‌ترسید. اما پیشنهاد

پول درآوردن بدون کار هم قفلش می‌داد. از قدیم، از پدرش یاد گرفته بود که برای انجام هرکاری با افراد صاحب نظر مشورت کند. این کار عادتشان بود و بدون مشورت، قدم بزرگی بر نمی‌داشت. مثل پدرش، اول سراغ جوان‌ترها و هم‌سن و سالان خودش می‌رفت و شرایط و اوضاع روز و اتفاقات جدید را می‌سنجید و سپس به سراغ میان سالان و بزرگان می‌رفت.

احکام

و از تجربه زیسته آن‌ها بهره می‌برد. بین افرادی که باید می‌رفت، گشت و حرف‌هایی را که باید می‌شنید، شنید. ماجرای پول باآورد را به یاد می‌برد؛ از بزرگ‌ترها شنید و داستان‌های دوران کودکی را به یاد آورد. فکر پول درآوردن راحت و بدون تلاش را از ذهنش بیرون کرد. از اینکه قبل از هر سرمایه‌گذاری در جایی مشورت کرده بود، خوشحال و راضی بود. او پس از پایان همه مشورت‌ها، حرف پدر بزرگش را روی کاغذ نوشت و به دیوار اتاقش زد: «برو کار می‌کن، مگو چیست کار!».

مشورت کردن با افراد شایسته، از جمله کارهایی است که دین مبین اسلام به انجام آن توصیه

اکید کرده است. پیامبر اکرم^(ص) درباره این امر می‌فرماید: «مشورت کردن با عاقل خبرخواه، مایه هدایت و میمنت است و توفیقی است از جانب خداوند. پس هرگاه خبرخواه عاقل تو را راهنمایی کرد، مبادا مخالفت کنی که موجب نابودی می‌شود، در حدیثی از حضرت علی^(ع) نیز داریم: «هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه کن؛ زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و سال‌خوردگان برسان تا پیگیری کنند. عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند؛ چرا که تجربه آنان بیشتر است».

جهت قبله را نداند، باید بکوشد آن را مشخص کند و طبق ظن خود عمل نکند و اگر نتواند ظن به دست آورد، کافی است نماز را به هر جهتی که احتمال می‌دهد قبله در آن باشد، به جای آورد. گرچه احتیاط مستحب آن است که نماز را به چهار جهت به جای آورد. این در جایی است که بتواند با شناخت قبله رو به قبله باشد و اگر جز در تکبیر الاحرام نتواند بدان اکتفا کند و اگر اصلاً نتواند، شرط استقبال ماقط می‌شود و جایز است انسان قبل از وقت نماز اختیار با هواپیما مسافرت کند؛ هرچند بداند در هواپیما ناچار به نماز فاقد شرط استقبال و استقرار خواهد شد.

نماز صحیح است؛ وگرنه در صورتی که وقت داشته باشد و بتواند پس از خروج از هواپیما نماز واجد شرایط را به جای آورد- بنابر احتیاط- نمازش در هواپیما صحیح نیست. لکن اگر وقت تنگ باشد، واجب است نماز را درون هواپیما به جای آورد و در آن صورت اگر جهت قبله را بداند، باید بدان جهت نماز بخواند و نمازش بدون رعایت قبله- جز در حال ضرورت- صحیح نیست و در این حال باید هرگاه هواپیما از سمت قبله منحرف شد، بدان سو رو کند و در هنگام انحراف از قبله، از قرائت و ذکر دست بکشد و اگر نتواند به عین قبله توجه کند، باید سعی کند بیش از (نود) درجه از قبله منحرف نشود و اگر

پرسش: وقتی با هواپیما مسافرت می‌کنم، تا هنگام رسیدن به مقصد، هوا روشن می‌شود. برای نماز صبح چه باید کرد؟

پاسخ مطابق نظر آیت‌... سیستانی: اگر مکلف با هواپیما سفر کند و بخواهد در آن نماز بخواند، در صورتی که بتواند به هنگام نماز رو به قبله بودن و استقرار داشتن و دیگر شرایط را رعایت